



۲۱ اگست ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

## بحثهایی در دستور زبان دری

(قسمت اول)

### متکلم جمع - جمع متکلم - متکلم مع الغیر

#### تذکر:

یکی از مقالات بسیار قدیم را از آرشیفم، از صفحه ۲۳ فیروزی ۲۰۰۹ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بیرون آورده و به حیث اولین قسمت سلسله "بحثهایی در دستور زبان دری" در معرض مطالعه خوانندگان گرامی "آریانا افغانستان آنلاین" میگذارم. امیدوارم مورد توجه و التفات علاقه‌مندان زبان و دستور زبان دری قرار گیرد.

(خلیل الله معروفی - همبورگ - ۱۸ اگست ۲۰۱۹)



در دستور زبان دری مُدام از "جمع متکلم" و "متکلم جمع" شنیده ایم. از دستور زبان عربی، که در صنوف هفتم تا نهم لیسه‌های افغانستان درس داده میشود، اصطلاح "متکلم مع الغیر" هم به گوشها آشناست. حالا ببینیم، که ازین سه اصطلاح، که برای عین مفهوم به کار میروند، کدام یک با اساسات دستوری و منطقی بهتر سازگار است و بر دیگران رجحان و برتری دارد؟؟؟ خوانندگان ارجمندی، که به صرف و نحو و گرامر و دستور زبان علاقه ندارند، لطف کرده این نوشته را نادیده بگیرند!!!

چنان، که میدانیم بسا اصطلاحات علمی متداول در "زبان دری" اصل عربی دارند. اصطلاحات "دستور زبان دری" هم تقریباً همه از عربی اخذ گردیده اند. اگر مثالهایی در زمینه بزنیم:

"اسم، فعل، حرف، کلمه، جمله، فاعل، مفعول، مُسند، مُسندالیه، صفت، قید، ضمیر، متصل، منفصل، اشاره، مبهم، عدد، تفضیل، حال، مستقبل، مضارع، ماضی، متکلم، مخاطب، غائب، جمع، مفرد، امر، نهی، مثبت، منفی، تأکید، مصدر، جاری، مطلق، استمراری، قریب، بعید، شکیه، تمنائی، التزامی، تصغیر، تحبیب، تحقیر، بالواسطه(مع الواسطه)، صریح، غیر صریح، ترکیب، تجزیه، اشتقاق، لازم، متعدی، مشتق، جامد، واحد، تذکیر، تأنیث، مذکر،

مؤنث" و دهها اصطلاح دیگر "دستور زبان دری"، همه از "عربی" وارد زبان دری شده و عموماً مستعمل اند. البته درین اواخر در کشور ایران بسیار کوشیده میشود، که در مسیر "سرهسازی زبان فارسی"، اصطلاحات جدید وضع کرده و جانشین اصطلاحات متداول و کاملاً مروج و مأنوس و مقبول (قبول شده) - از جمله اصطلاحات عربی - بسازند. متأسفانه این حرکت بیشتر منشأ "سیاسی" و "ناسیونالیستی" و حتی "شورینستی" دارد، تا منشأ زبانشناسانه و علمی. به صراحت تام باید گفت، که "سرهسازی زبان" در علم جدید زبان و در "زبانشناسی مُعاصر" هیچ جای ندارد. "سرهسازی" و "پاک کردن زبان از اصطلاحات بیگانه" در زبانهای اروپائی و فرنگی اصلاً دیده نمیشود و یا، که بسیار به ندرت دیده میشود. در زمانی، که رژیم‌های استبدادی و فاشیستی بر پاره ای از کشورهای اروپائی چیره گشته و حکم میچلانند، پدیده "سرهسازی زبان" هم سر دست گرفته شده بود. مثال بارز این پدیده، رژیم سفاک و نژادپرست نازی در المان بود، که میخواست، اصطلاحات عام جهانی را "المانی" بسازد. مشهورترین کلمه ای، که از آن زمان تاکنون بعضاً در زبان المانی دیده میشود، کلمه "روند فونک" Rundfunk است، که در عوض کلمه جهانی و مقبول (پذیرفته) "رادیو" Radio وضع گردیده بود.

چنان، که گفتیم، در کشور ایران سعی بلیغ به خرج داده میشود، تا نه تنها برای پدیده‌های جدید، لغات فارسی وضع گردند - که در بعض موارد کاریست بجای - بلکه حتی برای کلمات کاملاً رائج و مأنوس و به اصطلاح خودشان "جا افتاده" نیز معادلها و جانشین‌های فارسی ساخته شوند. و دردا، که بسا کلمات جدید و نوساخت، نه تنها با مزاج زبان فارسی و دری سازگار نیستند، بلکه مضحک و مسخره هم هستند. به کلمات ذیل توجه نمایند:

- "کارواژه" در عوض "فعل"
  - "نامواژه" در عوض "اسم"
  - "گرانش" به جای "قوة ثقل" و یا "قوة جذب"
  - "گرمایش" به جای "حرارت"
  - "خوانش" در عوض "قرائت"
  - "گویش" در عوض "لهجه"
  - "نشست" به جای "جلسه"
  - "یونش" در عوض "یونیزاتسیون" یا "آینا‌یزیشن"
  - "سه‌بر" به جای "مثلث"
  - "رایانه" در عوض کلمه جهانی "کمپیوتر"
  - "آفند" به عوض "حمله"
  - "پدافند" در عوض "دفاع"
  - "پهپاد" به جای کلمه جهانی "درون"
  - "چرخبال" به جای اصطلاح عالمگیر "هلیکوپتر"
- و غیرهم \*

در ایران این کار در دو بخش صورت میگیرد؛ یکی به صورت انفرادی و دیگر به صورت متراکم و متمرکز. هم دانشمندان و مترجمان ایرانی، رواج دهنده اصطلاحات جدید و بدیل اند و هم "فرهنگستان زبان" در ایران این کار

ناروا و دور از عرف جهانی را در دستور امور روزمره خود قرار داده است. البته در خود ایران هم دانشمندان سرشناس و برانزده ای وجود دارند، که برضد "سره‌سازی زبان فارسی" قد علم کرده و پیوسته در برابر آن ایستادگی میکنند. تا جایی، که بر من واضح گشته است، داکتر "خسرو فرشیدورد" - استاد زبده "پوهنتون تهران" - که عمری را در پای و در راه زبان و ادبیات زبان فارسی خوار ساخت و صدها و هزاران دانشمند زبان از زیر دستش بیرون آمدند، جداً مخالف "سره‌سازی زبان" است؛ در حدی، که وی "سره‌سازی زبان" را یک "مرض" میداند و در آثار بیشمار خود پیوسته از "مرض سره‌سازی" سخن میگوید. و هیئات، که حتی همین استاد بزرگ، که پیوسته بر دیگران، از جمله بر داکتر "پرویز ناتل خانلری" و داکتر "محمد معین" و غیرهم بدین مناسبت خرده گرفته و می‌تازد، خود نیز از این بلیه در امان نمانده است. اگر کتاب مشهورش را - که از آخرین آثار گرانبهای او شمرده میشود و "دستور مفصل امروز" نام دارد - مرور کنیم، به تحقیق در مییابیم، که حتی این استاد نقاد هم، وقتی در گرداب "ایران پرستی" و "ایرانیگری" گیر میماند، دچار "سره‌سازی" میگردد.

گفتیم اصطلاحات "صرف و نحو زبان دری" - و به اصطلاح مدرن‌تر، "دستور زبان دری" - تقریباً همه عربی و یا عربی‌الاصل اند.

این کار به درجه اول ازینجا نشأت کرده است، که تا گذشتهٔ چندین دور، دستورنویسان زبان دری، دستور زبان عربی را کاپی کرده و آن را بر "زبان دری" تحمیل میکردند. با باز شدن راههای باخترزمین و طاری گشتن علم و دانش و فرهنگ فرنگی بر جهان و از جمله بر مشرقزمین، راه و روش "دستورنویسی" در زبان ما هم دگرگون گشت. دستورنویسان زبان دری اینک نه تنها به دستورهای کلاسیک توجه دارند، بلکه از علم جدید زبان یا زبانشناسی معاصر نیز استفادهٔ سرشار میکنند. "دستورهای معاصر زبان دری" آمیزه و مخلوطیست از دستورهای کلاسیک زبان دری و عربی و دستورهای زبانهای فرنگی.

از اصل مطلب بس دور افتادیم. پس برویم به شگافتن هر سه اصطلاح مروج در صرف و نحو؛ یعنی "متکلم جمع، جمع متکلم، و متکلم مع‌الغیر" که دو تایی اولی در زبان دری وسیعاً استعمال میگرددند، ولی اصطلاح سومی محض در زبان عربی قابل مشاهده است.

### متکلم جمع و جمع متکلم:

ضمائر شخصی منفصل در زبان دری عبارتند از: "من، تو، او(وی)، ما، شما و ایشان(آنها)" در زبان دستوری "لسان دری"، "من و تو و او(وی)" را "مفرد متکلم، مفرد مخاطب و مفرد غائب" گویند - در ایران به پیروی عام و تام از زبانهای اروپائی، معمولاً اصطلاحات "شخص اول مفرد، شخص دوم مفرد و شخص سوم مفرد" و یا "مفرد شخص اول، مفرد شخص دوم و مفرد شخص سوم" را مرعی میدارند.

ضمائر "ما و شما و آنها(ایشان)" را "جمع متکلم(متکلم جمع)، جمع مخاطب و جمع غائب" نامند. در ایران به اقتداء و پیروی محض از زبانهای فرنگی، برای این سه شخص معمولاً "جمع شخص اول، جمع شخص دوم و جمع شخص سوم" و یا "شخص اول جمع، شخص دوم جمع و شخص سوم جمع" را استعمال میکنند. این تسمیه، که سابقه طولانی ندارد، در واقعیت امر بر اثر ترجمهٔ "لفظ به لفظ" یا "باللفظ" یا "تحت اللفظ" و یا "تحت اللفظی" از زبانهای فرنگی، وارد "فارسی ایران" شده و عام گشته است.

بر نامگذاری "جمع مخاطب" و "جمع غائب" شاید منطقی‌تر بتوان ایراد گرفت؛ اما:

اما بر تسمیه "جمع متکلم" یا "متکلم جمع" و معادلهای ایرانی آن، پاره ای ایراد منطقی وارد است: وقتی افرادی را مخاطب میسازیم و مثلاً "شما" میگوئیم، منطقی این صلاحیت را داریم، که ایشان را "شما" بگوئیم. و یا وقتی از اشخاصی به حیث "غائب" سخن گفته و از ایشان با کلمات "آنها" یا "ایشان" حکایت میکنیم، باز هم منطقی کار خلاف نکرده ایم. اما:

اما موضوع در قسمت "متکلم" کاملاً فرق میکند. چون وقتی کسی از طرف جمعی سخن گفته و ضمیر "ما" را استعمال میکند، گوینده معمولاً تنها "یک نفر" است و نه تمام آن جمع. اینطور نیست، که وقتی "ما" میگوئیم، همه یکجای و به یک زبان و به یک آواز بگوئیم، که "چنین میکنیم و چنان خواهیم کرد". بلکه فقط یک نفر متکلم - به نام "من" - سخن میگوید و چون به نمایندگی از دیگران و یا از طرف دیگران گپ میزند، کلمه "ما" را استعمال میکند. درینجا استعمال کلمه "ما" از طرف "یک نفر" است و نه "جمع". ازینرو منطقی درست نیست، که فردی به نام "من" سخن بزند و کلمه "ما" را استعمال نماید، ولو این صلاحیت را برایش داده هم باشند.

در زبان عربی این باریکی را درست درک کرده و گویند "متکلم مع الغیر" (متکلم با غیر، متکلم به علاوه دیگران)؛ یعنی، که "متکلم" فقط همان یک نفر و مفرد است، ولی در سخنانی، که میگوید، کسان دیگری نیز با وی هم‌نوا و هم‌رای و هم‌عقیده میباشند.

ترکیب "متکلم مع الغیر" شاید رساترین افاده ازین مدلول باشد و تا جائی، که بر من آشکاره گردیده، زبان دگری بر این باریکی توجه نکرده است!!! اصطلاحات "جمع متکلم"، "متکلم جمع"، "جمع شخص اول" یا "شخص اول جمع" هیچکدام اساس درست منطقی ندارند، و در برابر "متکلم مع الغیر" کاملاً "نارسا" جلوه میکنند.

## خوشا به حال کسانی، که سخن درست را میپذیرند!!!

\* - تعدادی ازین مثالها از کتاب "دستور مفصل امروز" اثر داکتر خسرو فرشیدورد، چاپ ۱۳۸۲ انتشارات سخن، تهران، اخذ گردیده است.



بجتهائی در دستور زبان دری (قسمت اول)

Marooft\_k\_motakalem\_e\_jam\_motakal\_maalghair\_۰۱.pdf